

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مبار
بین بوم و بر زنده یک تن مبار
همه سر به سر تن په کشتن دهیم
از آن به که کشور به لشمن دهیم

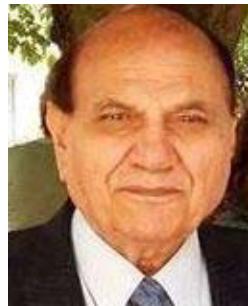
www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

سید ملک
۲۰۲۰ سپتامبر



سید ملک

این شعر را سالها قبل سروده بودم، اینک از بین یاد داشتهایم بیرون نموده، خدمت خوانندگان تقدیم می دارم.
برگ سبز است و تحفه درویش

غنجۀ دل

یعنی که در آن مهرکسی جا شدنی نیست	این غنجۀ دل و انشد و واشنده نیست
این شام سیه آه که فردا شدنی نیست	شب زادم و شب طالع و عمرم همه شب بود
این بازی نفرین شده پایان شدنی نیست	من خسته ازین آمد و رفت شب و روزم
آخر که این رمز به من واشنده نیست	خواندندام که چه است در پی هستی
گویند چند رمز جهان واشنده نیست	هم فلسفی و مذهبی و عارف دنیا
فرقت ز ازل بوده و یکجا شدنی نیست	هم عقل و هم عشق هردوی آن گیجه راه اند
جستم نیافتم چو پیدا شدنی نیست	محصور خیالم ندانم که چه هستم
از بیخ غلط بوده و خوانا شدنی نیست	از سفسطه و فلسفه بگذر که این خط
از ترس نتوان گفت و افشا شدنی نیست	دانم که چه بیهوده بود منشأ هستی